



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱ / ۰۲ / ۲۱

عبدالقیوم میرزاده

جدیت مبرم و استوار دستگاه دیپلوماسی کشور هم کلیدی از موفقیت است در راه تأمین صلح پایدار

کشور ما بیش از چهار دهه است که در آتش جنگ میسوزد و بلاها و آفت های گوناگون دامنگیر اش است و همه روزه این آتش و آفت از مردم بیگناه قربانی میگیرد. وظیفه میهنی همه باشندگان این سرزمین است که برای قطع جنگ و رفع این همه بلاها و آفات مجدانه دین مادر وطن را اداکنند. همچنانیکه قوت های مسلح کشور و ارگانهای تأمین امنیت و نظم و اداره وظیفه دارند گامهای مؤثر و هدفمند بردارند و کشور را از این مخمصه خانمانسوز نجات دهند وظیفه دستگاه دیپلوماسی کشور که در وجود وزارت خارجه جمهوری اسلامی افغانستان، نماینده گی های سیاسی دولت افغانستان در خارج از کشور و رسانه های صوتی و تصویری که بوسیله انتر نت با جهان وصل است میباشد تا مسئولیت ها و وظایف شان را در پرتو قانون اساسی کشور و تحقق سیاست خارجی بر پایه منافع ملی استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، بیطرفی و رعایت منشور ملل متحد برای بررسی، برقراری، تأمین، حفظ و توسعه روابط سیاسی با کشور ها و سازمانهای بین المللی، نگرش همه جانبه و تحلیل دایماً فعال از وقایع بین المللی و اقدامات پویا و هدفمند بر طبق روال، اصول، قواعد ملی و بین المللی و عرف دیپلماتیک و اصل همکاری های متقابل به منصفه اجرا گزارند.

در شرایط کشور ما بنابر ملحوظات حکومت های ضعیف و دست نشانده، فعالیت گروه های تروریستی، موجودیت عناصر بیگانه در رده های حکومتی و اداره دولت و نبود استقلال در سیاست خارجی کشور عده ای از کشورهای جهان منجمله پاکستان روابط اش را با کشور ما خارج از عرف دیپلماتیک طوری دیگر تعریف کرده اند. پاکستان در این چهار دهه اخیر روابط و مناسبات اش را با کشور ما بیشتر بوسیله فشار های مسلحانه گروه هایی تروریستی چون مجاهدین، طالبان، داعش، القاعده و سایر گروه های تروریستی که نیرو هایشان را از میان مهاجرین افغان در آنکشور و مردمان کناره های سرحد تأمین میکنند رویدست دارد که اهداف و استراتژی هایش در قبال کشور ما نیز بنابر مؤثریت و کارایی گروه های تروریستی و درجه خود فروختگی عناصر مداخله که در دست دارد خاصاً اجزای رهبری این گروه ها تعیین و حالت نوسانی داشته است.

بعد از حمله امریکا به افغانستان ۲۰۰۱ بسیاری از تحلیلگران خاصاً شعب مسئول در وزارت خارجه افغانستان به این باور بودند که در موجودیت قوای امریکا و ناتو در افغانستان نقش پاکستان در قبال مسایل افغانستان منفعل گردیده است بنه دستگاه دیپلوماسی کشور نتوانست توجه جامعه جهانی را به نقش پاکستان در تربیه و تجهیز تروریستان بین المللی معطوف گرداند و فشار بین المللی را بر پاکستان وارد آورد. در مقابل پاکستان در این مدت توانست در همکاری با مشاورین نظامی امریکایی و انگلیسی خویش گروه طالبان و در حوادث متأخر گروه داعش را منسجم، تعلیم و تربیه و مسلح ساخته و در سایه همکاری های استخباراتی با امریکا و انگلیس به بهانه ای اهدافی علیه چین، جمهوریت های آسیای میانه و ایران این نیرو های تروریستی را بصورت مصئون به سرتاسر کشور ما خاصاً اهداف بالا ذکر یافته گسیل داشت. همچنان در ساحاتی که افراد غیر مسئول، طالبان و نیروهای خارجی مشغول استخراج معادن و کشت و پرورس تریاک اند، این ساحات و مسیر های ترانسپورتی آن به همکاری این نیرو ها عامدانه تحت سیطره طالبان در آورده شدند که روزانه هزاران تن سنگ ها، مواد معدنی استخراج شده و مواد مخدر از همین ساحات بارگیری و به پاکستان قاچاق میگردد.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

به این ترتیب طالبان یعنی نیرو های نیابتی پاکستان قسماً بر سرنوشت بخشی از کشور حاکم ساخته شده و در زمان زمامداری ترامپ پاکستان توانست زلمی خلیل زاد را با ذریع که در حیطة امکان داشت متعهدانه متقاعد سازد که پاکستان نقش مثبت و فعال در اجرای مانور های امریکا در جنوب آسیا با سوق و اداره منضبط طالبان ایفا کرده و همگام و همکار مطمئن برایشان خواهد بود، آنها با ذیرکی تمام اداره ترامپ را متقاعد ساختند که حکومت افغانستان بنابر موجودیت فساد و چند دستگی نیرو های متخاصم در اداره دولت بی ثبات بوده که هرآن احتمال دارد این تخصصات درونی در اداره دولت باعث فروپاشی آن گردد، و نمونه هایی از این تخصصات و بی ثباتی را در فعالیت ها و مانور های ضد ملی و ضد دولتی گروه خود فروخته عبدالله عبدالله، عطا محمد نور، محقق، صلاح الدین ربانی، دوستم و دیگران که هم انتخابات، هم آرای مردم، هم حاکمیت ملی و هم قانون اساسی کشور را به سُخره گرفتند در انظار جهانیان به نمایش گذاشتند. در اینجا قابل ذکر میدانم که برای امریکا در امر حقق استراتژی هایش علیه چین، ایران، روسیه و جمهوریت های آسیای میانه بهترین گزینه نیروهای تروریستی میباشد که بوسیله پاکستان تربیه و تجهیز گردیده و علیه این اهداف بکار گرفته میشود که این عملیه در منطقه برای پاکستان زیر نام طالبان (نیروی آزادی بخش ضد خارجی افغان) میسر و ممکن میباشد که برای افغانستان خصم و در خط مقابل منافع ملی کشور ما قرار دارد.

پومپئو وزیر خارجه وقت امریکا، خلیل زاد و عده از نظامیان امریکایی در تفاهم با پاکستان در این راستا با مشروعیت دهی بین المللی این گروه تروریستی و در حاشیه قرار دادن دولت جمهوری اسلامی افغانستان پیش رفتند و نقش متحدین بین المللی امریکا را در قبال افغانستان با تنویر دیپلوماسی درحالت انفعال قرار دادند و با ملاقات های مکرر و متعدد با خودفروختگان داخلی یعنی اجزای گروه عبد الله عبد الله را تا سرحد تهدیدات کودتایی ترغیب کردند و دست پاکستان را در سازماندهی و تشکل مجدد غلام بچگانیش غرض مداخله و حملات مسلحانه در کشور ما آزاد گذاشته و چراغ سبز را برایشان نشان دادند و بلاخره در فبروری ۲۰۲۰ توافقتنامه را با این گروه تروریستی در غیاب دولت افغانستان امضا کردند.

اما بنابر میریت مسئله افغانستان برای ایالات متحده امریکا، موهومیت و نا مشخص بودن ابعاد طرح توافقتنامه پومپئو - خلیل زاد - طالبان برای اعضای کنگره امریکا، کنگره ایالات متحده امریکا در دسمبر ۲۰۱۹ قبل از امضای این توافقتنامه با طالبان گروه مطالعاتی را مؤظف ساخت تا ابعاد این توافقتنامه را تثبیت و پیامد های توافقتنامه صلح انکشور با طالبان را در قبال سیاست ها و تعهدات بین المللی ایالات متحده امریکا بررسی کند. این گروه تحقیقاتی بعد از تحقیقات حدود یکساله خویش بلاخره طی گزارشی منافع انکشور را در جنوب آسیا چنین فورمولبندی کردند:

«ایالات متحده دارای منافع مهم ملی است که تحت تأثیر تحولات افغانستان قرار خواهد گرفت. گروه های تروریستی که همچنان در افغانستان فعال هستند، مانند القاعده و دولت اسلامی خراسان، می توانند سرزمین ایالات متحده را مورد تهدید قرار دهند. حضور مداوم نظامی ما در کنار نیروهای امنیتی افغان در افغانستان، این گروه ها را سرکوب و از حملات آن ها به میهن ما جلوگیری کرده است. خروج کامل نیروهای ما این امکان را به وجود می آورد که این تهدید دوباره ظهور کند. در درازمدت، ایالات متحده باید یک نیروی ضد تروریسم را در افغانستان حفظ و یا اطمینان حاصل کند که راهکار های تأیید شده دیگری وجود دارد که می تواند از شکل گیری دوباره این گروه ها جلوگیری کند. اما عقب نشینی غیرمسئولانه نیروهای امریکایی احتمالاً به یک جنگ داخلی جدید در افغانستان منجر خواهد شد و این امر دعوت از احیای نیروهای ضد امریکا است که می توانند سرزمین ما را تهدید و روایت پیروزی در برابر قدرتمندترین کشور جهان را فراهم کنند. یکی دیگر از منافع کلیدی ایالات متحده مربوط به منطقه کلان تر است. افغانستان باثبات، پتانسیل همکاری های اقتصادی منطقه ای را ایجاد می کند که می تواند به نفع همه کشورهای منطقه باشد و آسیای میانه پر انرژی را با جنوب آسیای محروم از انرژی پیوند دهد. به همین ترتیب، یک افغانستان بی ثبات از طریق ادامه تجارت غیرقانونی مواد مخدر، جلب ایدئولوژی های افراطی و تشدید رقابت بین هند و پاکستان، دو قدرت مسلح با سلاح هسته ای، باعث بی ثباتی منطقه می شود. کمک های غیرنظامی و نظامی ما به دولت افغانستان باید با پشتیبانی از ساختارهای اصلی دولت ادامه یابد؛ اما با شرایطی که در قانون (کشورهای آسیب پذیر از افراط گرایی) که بر پاسخگویی، مشروعیت و بیشتر شامل شدن در امر کمکرسانی تأکید دارد و انگیزه دادن برای دولت تا نقش سازنده ای در روند صلح داشته باشد. یک نکته قابل تأمل است که هدف از کمک خیرات نیست، بلکه جلوگیری از فروپاشی دولتی است که سقوط آن برخلاف منافع ما خواهد بود. با این حال، از آغاز روند صلح، چشم انداز عقب نشینی ایالات متحده یک اجماع منطقه ای شکننده، اما واقعی در پشت یک افغانستان باثبات و بی طرف که نه پناهگاه تروریست ها باشد و نه سرزمین طالبان را ایجاد کرده است. ایالات متحده باید یک استراتژی دیپلماتیک را که به دنبال به دست آوردن اجماع است، اتخاذ کند. از کشورهای منطقه برای استفاده از روابط خود با بازیگران افغان به منظور موفقیت در مذاکره درخواست کمک کند. این استراتژی به کشورهای منطقه اجازه می دهد تا بارهای حمایت و حفظ یک افغانستان صلح آمیز را به صورت عادلانه تری تقسیم و از این روند در چارچوب بین المللی مورد تأیید شورای امنیت سازمان ملل متحد میزبانی کنند.»

از اینجاست که وظیفه دستگاه دیپلوماسی کشور مبرمیت حاصل میکند، دستگاه دیپلوماسی کشور مشتمل بر وزارت خارجه، نماینده گی های سیاسی کشور در اکناف جهان و تمام رسانه های جمعی اعم از تصویری، صوتی و نوشتاری لازم است تا در گام نخست طرحی جامعی را در قبال روابط کشور ما با کشور های خارجی منجمله همسایگان که در آن هرکدام تعریف مشخص و معین داشته باشند به منظوری مقامات ذیصلاح رسانده که بر طبق این تعاریف همه ارگانهای اداره دولت و حکومت نقش شان را در قبال این روابط بخوبی درک کنند. همچنان دستگاه دیپلوماسی با هر وسیله ممکن و در دسترس نقش ضد بشری همه گروه های تروریستی و بنیادگرا بصورت اخص طالبان و داعش را به مردم جهان، پارلمان ها، حکومتات و سازمان های بین المللی روشن ساخته و اسناد اثباتیه از محاکم صحرایی سنگسار زنان، ترور های هدفمند نخبه گان، اعضای جامعه مدنی و سایر اعمال تخریبی ضد بشری این گروه های تروریستی را در دید و دسترس همگان قرار دهند. به جهانیان باید اذعان کرد که طالبان با سایر گروه ها و دسته های تروریستی مماثل هیچ فرقی ندارند، آنها تنها بیرق خود را که همه درگداهای سازمان استخبارات نظامی پاکستان ISI انبار شده اند تعویض میکنند و در وحشت، دهشت، ترور، اختناق، بنیاد گرایی و تخدیر اذهان مردم هیچ فرقی با هم ندارند و همه از یک مرجع تجهیز، سوق و اداره میگردند.

آنچه در سیاست خارجی کشور ما از اهمیت بسیار فراوان برخوردار است همانا تأمین صلح در افغانستان و منطقه میباشد، هیچگاهی صلح جهانی و منطقوی در موجودیت یک افغانستان جنگ زده و پر آشوب متصور نیست، هیچ کشوری در منطقه از این آشوب درامان بوده نمیتواند، سیاسیون و سردمداران پاکستان، ایران و کشور های آسیای میانه نیز بوضاحت این را میدانند ولی برای اتخاذ و اجرای چنین سیاست به عنایر متخصص، مدبر، ملی و وفادار به امر مقدس وطن و منافع ملی در ادارات سیاستگذار و اجراییوی نیاز است. دستگاه دیپلوماسی کشور ما در ایجاد و توسعه روابط حسنه با همسایگان خاصاً پاکستان بیشترین توجه را معطوف دارند. گرچه پاکستان تا امروز مناسبات اش با افغانستان را با تهدید مسلحانه، ایجاد دهشت، وحشت و افغان کشی از طریق فرستادن گسیل گروه های تروریستی، حمایت مادی و معنوی ستون پنجم یا حکومت سایه در درون دولت تعریف میکند. اما موقعیت جغرافیایی و جیو استراتژیک افغانستان خود بیانگر آنست که اگر عناصر متخصص، مجرب، ملی اندیش و کارا در اداره دولت و دستگاه دیپلوماسی کشور زمام امور را در دست داشته باشند پاکستان ناگزیر خواهد بود تا در عملکرد و نحوه روابط اش با افغانستان بازنگری کند. برای یک دستگاه دیپلوماسی مجرب و کارا این امر بسیار ممکن است تا معادلات منافع جانبین را طوری رقم بزنند که برای طرفین راه جزء شناسایی حق خود ارادیت یکدیگر از طریق ایجاد روابط نیک همسایگی، احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی هر دو کشور وجود نداشته باشد. این کار هم از طریق گفتگو های سودمند توسط هیئت ها و سفرای مدبر، حرفه ای، مجرب، کارشناس و ملی اندیش، هدفمند، نکته سنج و سخن دان میتواند صورت پذیرد و هم از طریق فشار های بین المللی و ارائه اسناد قابل اعتبار از مداخلات مسلحانه، تعلیم، تربیه و تجهیز گروه های تروریستی و گسیل این گروه ها به قلمرو افغانستان به سازمان ملل متحد، پارلمان ها و حکومتات میتواند عملی گردد.